



### چکیده

### طیبه صادق پور

ساختار وجودی انسان بهترین ساختار آفرینش است: لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم (تین، ۴/۹۵) و دارای ظرفیت و استعداد بالا و والاست و خواهان رسیدن به نا محدود است.

از نظر قرآن، انسان موجودی است که از روح خدا در او دمیده شده و از چنان گوهر و وجودی برخوردار است که خداوند، دیگر موجودات جهان آفرینش را برای او خلق کرده است و جهان را به گونه ای آفریده است که انسان بتواند در جهت بهره‌وری خود از آن استفاده کند و تا آنجا او را برتری داده است که به فرشتگان دستور داده تا به تعظیم او پردازند.

همه این امور بیانگر این حقیقت است که انسان از کرامت و فضیلت ذاتی برخوردار است و این کرامت در مقام انسانیت اوست و نوع انسان کریم است. این کرامت بالقوه در تمام انسان‌ها که باید با طی مسیر کمال و درجات به فعلیت برسد، وجود دارد.

در این نوشتار با استناد به آیات متعدد قرآن کریم جهات برتری انسان بر سایر موجودات که همان کرامت ذاتی اوست بیان شده است.

مانند :

۱. برخورداری از روح الهی؛ ۲. آفرینش انسان به دست خدا؛ ۳. انسان‌های اندیشمند؛ ۴. خلاصه و عصاره خلقت؛ ۵. هدف نهایی خلقت؛ ۶. کمال جوو بی نهایت طلب؛ ۷. مختار و آزاد.
- در نهایت آثار کرامت الهی چنین دانسته شده است: ۱. مسجود فرشتگان؛ ۲. امانتدار الهی؛ ۳. خلیفه الله در زمین .

### مقدمه

انسان سرور زمین و عهده دار نقش اول در قرآن است و همه اشیا‌یی که در زمین وجود دارد برای او و هر گونه تغییر و تبدیلی به دست اوست . چنین برجستگی باعث می شود که انسان، گرمی تر و عزیزتر از همه اشیا‌ء مادی باشد .

قرآن کریم ساختار وجودی او را بهترین ساختار وجودی دستگاه آفرینش می داند و می فرماید: **و لقد خلقنا الانسان فی أحسن تقویم .** (تین، ۴/۹۵) و خداوند همه مواهب زمین را برای او آفریده است و او را به عنوان نماینده و جانشین خود در زمین قرار داده: **انی جاعل فی الارض خلیفة .** (بقره، ۳۰/۲) و از همین روی، در بین تمام آفریده های جهان، او را با کرامت خاص، مقام ویژه ای بخشیده و فرمود: **و لقد کرّمنا بنی آدم .** (اسراء، ۷۰/۱۷) آدمی خلیفه خدا در زمین و عهده دار شکوفا سازی امانت هایی است که در نهان خانه ضمیرش جای دارد . انسان دارای ظرفیت بی حد و استعداد بی نهایت و خواهان رسیدن به نامحدود است .

خداوند در قرآن می فرماید: **أخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئاً .** (نحل، ۷۸/۱۶) یعنی شما را از شکم مادران خارج ساختیم در حالی که هیچ چیز نمی دانستید . این همان مرتبه استعداد محض است که در دفتر وجودی انسان وجود دارد و باید به فعلیت برسد .

### معنای کرامت

کرامت به معنای سخاوت، شرافت و عزت است . راغب در کتاب مفردات می گوید: کرم اگر وصف خدا واقع شود، مراد از آن احسان و نعمت آشکار خداست و اگر

وصف انسان باشد. نام اخلاق و افعال پسندیده اوست که از وی ظاهر می شود. ۱. چرا که کرامت نحوه وجود و هستی خاصی است که کامل ترین مصداق آن برای خدای سبحان ثابت است که دارای عالی ترین درجه بوده، بلکه خود هستی محض است و چون معنای کرامت هم بر واجب الوجود و هم بر ممکن به نحو اشتراک معنوی نه لفظی اطلاق می گردد: معلوم می شود که از سنخ ماهیت نبوده و داخل هیچ مقوله ماهوی نمی باشد. ۲. تنها آیه ای از قرآن که به صراحت به بحث کرامت انسانی پرداخته، آیه ۷۰ سوره اسراء می باشد که مقصود از تکریم، اختصاص دادن به عنایت و شرافت دادن به خصوصیتی است که در دیگران نباشد. تکریم معنایی است نفسی و در آن کاری به غیر نیست بلکه تنها شخص مورد تکریم مورد نظر است که دارای شرافتی و کرامتی شود. ۳.

بعضی گفته اند:

تکریم شامل نعمت های دنیا می شود و آن نعمت هایی است که مصحح و مجوز تکلیف شده است. ۴.

### اقسام کرامت انسان

به اعتقاد برخی از اندیشمندان در سراسر آفرینش سه گونه کرامت وجود دارد:

۱. کرامت ملکوتی که فرا طبیعی صرف و مربوط به فرشتگان خدا، عرش الهی، حاملان عرش و... است.
  ۲. کرامت طبیعی که مربوط به موجودات طبیعی است. از این رو خداوند گیاهان را با وصف کرامت یاد می کند و می فرماید: *او لم یروا الی الأرض کم أنبتنا فیها من کل زوج کریم*. (شعرا، ۷/۲۶)
  ۳. کرامت بلند انسانی که از تلفیق بین طبیعت و فرا طبیعت حاصل آمده و از جمع سالم میان کرامت ملکوتی و کرامت طبیعی پدیدار گشته است. ۵.
- بیان قرآن در زمینه کرامت انسان دو گونه است: در بخشی از آیات از کرامت و ارجمندی انسان و برتری او بر دیگر موجودات سخن به میان آمده است. ۶ و در برخی انسان مورد نکوهش قرار گرفته و حتی فروتر بودن او از حیوانات مطرح شده است. ۷.

تأمل و دقت در آیات یاد شده ما را به این حقیقت رهنمون می‌کند که انسان از دیدگاه قرآن دارای دو نوع کرامت است: کرامتی ذاتی یا هستی‌شناسی - کرامت اکتسابی یا ارزش‌شناختی.

### کرامت ذاتی

مقصود از کرامت ذاتی آن است که خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده است که در مقایسه با برخی موجودات دیگر از لحاظ ساختمان وجودی، از امکانات و مزایای بیشتری برخوردار است و یا تنظیم و ساختار امکاناتش به شکل بهتر صورت پذیرفته و در هر حال از دارایی و غنایی بیشتری برخوردار است. این نوع امکانات در واقع حاکی از عنایت ویژه خداوند به نوع انسان است و همه انسان‌ها از آن برخوردارند. از این رو هیچ کس نباید به خاطر برخورداری از آن بر موجودی دیگر فخر بفرشد و آن را ملاک ارزشمندی و تکامل انسانی خود بداند.

چرا که این کرامت به اختیار انسان ربطی ندارد و انسان چه بخواهد و چه نخواهد از این کرامت برخوردار است. آیاتی مانند آیه ۴ سوره تین: *لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم* و آیه ۱۴ مؤمنون: *ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارك الله احسن الخالقين* و آیه ۷۰ سوره اسراء: *لقد كرمتنا بنى آدم و حملناهم في البر و البحر...* و آیات فراوانی که از تسخیر جهان آفرینش و آنچه در زمین است برای انسان، سخن می‌گویند، همه بر کرامت تکوینی و ذاتی نوع انسان دلالت دارند.<sup>۸</sup>

کرامت ذاتی خود به دو شکل ظاهری و معنوی تحقق یافته است: تکریم ظاهری مثل: ایستاده راه رفتن، خوردن و آشامیدن با دست، قدرت بر نوشتن، اعتدال مزاج، خوش‌ترکیبی، تسلط بر طبیعت، تهیه اسباب معاش و... که در کلام برخی فسران آمده و تکریم معنوی انسان به عقل، که بسیاری از تکریم‌های ظاهری از آن نشأت می‌گیرد و انسان را بر سایر حیوانات برتری بخشیده. این نعمت که بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین نعمت خداوند است، انسان را در تشخیص حق و باطل، خیر و شر صلاح و فساد، حسن و قبح، راهنمایی می‌کند. تکامل زندگی بشر از این نعمت سرچشمه می‌گیرد. هر یک از این دو تکریم شامل همه انسان‌ها می‌شود نه تنها رنگ، نژاد، قبیله و... در آن تأثیری ندارد، بلکه ملاک‌های

برتری حقیقی مانند ایمان، علم، جهاد و... نیز نقشی ندارد. از این رو قرآن کریم جمیع فرزندان آدم (ع) را مشمول این تکریم معرفی کرده است: و لقد کرّمنا بنی آدم... پس انسان‌ها در حقیقت مشمول تکریم اجباری می‌شوند.<sup>۹</sup>

### کرامت اکتسابی

مقصود از کرامت اکتسابی، دستیابی به کمال‌هایی است که انسان در پرتو تقوا، ایمان و عمل صالح، خود به دست می‌آورد. این نوع کرامت برخاسته از تلاش انسان بوده و معیار ارزش‌های انسانی و ملاک تقرب در پیشگاه خداوندی است. با این کرامت است که می‌توان واقعاً انسانی را بر انسان دیگر برتر دانست. همه انسان‌ها استعداد رسیدن به این کمال و کرامت را دارند، ولی برخی به آن دست می‌یابند و برخی فاقد آن می‌مانند. آنچه مورد توجه قرآن کریم است، تفاوت مراتبی است که از تقوا نشأت می‌گیرد: ان اکرمکم عندالله اتقاکم. (حجرات، ۴۹/۱۳)

تکریم به عقل زمانی ارزش و جایگاه واقعی خود را می‌یابد که در خدمت ایمان و تقوا قرار گیرد. امام باقر (ع) پس از آن که مؤمن را با کرامت‌ترین مخلوق معرفی کرد در تحلیل این مدعا می‌فرماید:

فرشتگان خدمتگزار مؤمنان هستند. همجواری با خدا، بهشت و حورالعین برای آنان است. و ما خلق الله عزوجل خلقاً اکرم علی الله عزوجل من المؤمن لأن الملائكة خدام المؤمنین و أن جوار الله للمؤمنین و أن الجنة للمؤمنین و أن الحور العین للمؤمنین.<sup>۱۰</sup>

از این جهت که تکریم حقیقی به اسلام، ایمان و تقوا است، امام باقر (ع) می‌فرماید: خدا روح کافر را تکریم نکرده است، لیکن روح مؤمن را همواره گرامی می‌دارد: «انّ الله لایکرّم روح الکافر و لکن یکرّم ارواح المؤمنین».<sup>۱۱</sup>

### محدوده کرامت

بنابراین انسان علاوه بر کرامت ذاتی، می‌تواند از کرامت اکتسابی نیز بهره‌مند شود، در صورتی که عقل انسان تحت ایمان، تقوا و عمل صالح قرار گیرد و آن‌گاه است که این

انسان، شایستگی پیدا می‌کند که قدم در مسیر تکاملی الی الله گذاشته و با تلاشی گسترده به جایی برسد که حتی فرشتگان مقرب درگاه الهی هم نتوانستند پا در آن مکان بگذارند. این روح که پستی محدوده عالم طبیعت و اعتبارات آن را کنار گذاشته و در واقع منزله از هر پستی و دنائت شده، روح کریم است. پس محدوده کرامت انسانی تنها متوجه همین کرامت ذاتی و تکوینی نیست. بلکه وسعتی دارد که تا بالاترین حد کرامت اکتسابی را هم در بردارد. خدای سبحان به انسان‌ها درس کرامت می‌دهد. زاد راه کرامت را هم تقوا تعیین نموده. چون تقوا مایه کرامت است و برای تقوا حد معینی نیست بنابراین آنچه خداوند در سوره تغابن آیه ۱۶ می‌فرماید: **فاتقوا الله ما استطعتم**، یعنی به اندازه استطاعت خود، مایه کرامت خویش را فراهم نموده و با تقوا باشید و چون انسان می‌تواند به مقامی برسد که فرشتگان در پیشگاه او خضوع کنند: **فسجد الملائكة كلهم اجمعون**. (حجر، ۱۵/۳۰) و اگر به جایی نرسد که فرشتگان برای او سجده کنند، لا اقل او را مورد تحیت و سلام قرار دهند. به استقبال او آمده، درهای بهشت را به احترام او بکشایند: **سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین**. (زمر، ۳۹/۷۳) پس کرامت حدی ندارد، چون تقوا که اساس کرامت است، محدود نیست.

با این حال بحث از کرامت انسانی در این مقاله سخن از ذاتیات انسان و جایگاهی است که این موجود در عالم تکوین دارد نه جایگاهی که با عقاید و اعمال بدست می‌آید. تلاش و مجاهدت برای کسب مقامی برتر در پیشگاه خداوند فرع بر مقام تکوینی انسان است. سخن این است که انسان از این جهت که انسان است و با توجه به ذاتیات و فطریاتی که دارد، از سایر موجودات (حداقل در عالم ماده و طبیعت) ممتاز می‌باشد و بر آنها برتری دارد.

### عدم انحصار کرامت الهی در آدم(ع)

خدای سبحان که برای آدم(ع) آن مقام با عظمت را قرار داد و او را در ذات خود گرامی داشت آیا نسل او را هم از آن حرمت خاص بهره‌مند ساخته یا نه؟! از آیات قرآن برمی‌آید که این کرامت ذاتی انسانی است و اختصاص به حضرت آدم ندارد، به عنوان مثال: گفتار شیطان این است: **هو الذی کرّم علیّ یعنی این موجودی را که بر من گرامی داشتی و امر کردی که او را سجده کنم، من در برابر این امر، تمرد کردم و مشمول قهر تو**

شدم، ولی ذریه او را گمراه می‌کنم. از این آیه کریمه استفاده می‌شود: آنکه مکرم است، تنها شخص آدم (ع) نیست، بلکه مقام انسانیت است که مکرم است و هر کس به این مقام رسید، گرامی است.

خدای سبحان وقتی داستان آدم (ع) را نقل می‌کند، می‌فرماید: از روح خودم در او دمیدم. و اذ قال ربک للملائکة انی خالق بشراً من صلصال من حمأ مسنون. فاذا سوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين. (حجر، ۱۵/۲۸-۲۹) از آیه معلوم می‌شود که آدم از این کرامت برخوردار است که روح الهی به او افاضه شده است و همین افاضه روح الهی مایه مسجود شدن او بود.

از آیه ۷ تا ۹ سوره سجده می‌توان استفاده کرد که فرزندان آدم نیز از روح الهی برخوردارند: الذی احسن کل شیء خلقه و بدأ خلق الانسان من طین. ثم جعل نسله من سلالة من ماء مهین. ثم سواه و نفخ فيه من روحه... (سجده، ۳۲/۹-۷) اگر چه در آیه این نفخ روح را به آدم نسبت داد، ولی قبل از مسأله افاضه روح، مسأله نسل را مطرح کرد و فرمود: اصل انسان از طین است. نسل انسان از ماء مهین است. یعنی نسل آدم همه مثل آدم از روح الهی برخوردار است و مایه کرامت آدم و نسل آدم، همان روح الهی است و چون خداوند این روح را به انسان داده، فرمود: فتبارک الله احسن الخالقین. (مؤمنون، ۲۳/۱۴) پس نتیجه آن شد که نوع انسان کریم است و کرامت او هم فقط به خاطر روح انسانی اوست.

یعنی اولاً کرامت انسان در مقام انسانیت است و ثانیاً این مخصوص حضرت آدم (ع) نیست، بلکه برای همه انسان‌هاست. ۱۲

### دلایل شایستگی انسان برای کرامت الهی

بیان شد که انسان از دیدگاه قرآن از مقام و جایگاهی برتر از سایر موجودات عالم طبیعت، برخوردار است. زیرا خالق آفرینش در وجود او شایستگی‌هایی به ودیعت گذاشته که موجودات دیگر از آنها محرومند.

به عبارت دیگر انسان یگانه موجودی است که در چرخ آفرینش در این فضای وسیع از استعداد و قابلیت آفریده شده است. فقط اوست که توان رشد و تغییر درجه در این دنیا را

داراست حتی ملائکه مقرب الهی نیز به طور ثابت خلق شده اند و همان طور هستند که بوده اند و آفریده شده اند. لذا انسان در مقایسه با دیگر مخلوقات، از امتیازاتی برخوردار است که به جهت آنها تکریم شده و شرافتی ویژه پیدا کرده است. از جمله امتیازاتی که انسان به سبب داشتن آن از دیگر موجودات ممتاز گردیده و سبب شده تا او از بین تمام موجودات به عنوان وامدار کرامت الهی، انتخاب شود، عبارت است از:

### ۱. برخورداری از روح الهی

از نظر قرآن، انسان موجودی است که از روح خدا در او دمیده شده است. جسمش به خاک اتصال دارد و روحش به خدا، یعنی انسان حقیقی ملکوتی دارد و در بعد جسمانی خلاصه نمی شود. انسان دارای گوهر غیرمادی به نام نفس یا روح است. خداوند درباره اولین انسان (آدم) می فرماید: فاذا سوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين. (حجر، ۲۹/۱۵) ملاحظه می شود که مأمور شدن فرشتگان برای سجده بر آدم پس از دمیدن روح خدا لازم شده است و این نشان می دهد که ارزش آدم و انسان به روح اوست و نه جسم طبیعی اش.

بخش اصیل انسان یعنی روح او، ویژگی هایی دارد که اساس آنها کرامت است. خداوند به این ویژگی چنین تصریح فرموده است که ما بنی آدم را مکرم کردیم: و لقد کرّمنا بنی آدم... (السراء، ۷۰/۱۷)

بازگشت کرامت انسان به بخش طبیعی او، توجیه علمی و معقولی ندارد. زیرا در میان حیوانات، زیباتر و ظریف تر از انسان هم فراوان است. پس اگر معیار کرامت انسان بدن او باشد. این کرامت ویژه آدمی نخواهد بود زیرا خط سیر و تطور آفرینش بدن را دیگر حیوان ها نیز پیموده اند ولی خداوند در مورد هیچ یک، خود را «أحسن الخالقین» نخواند و تنها درباره انسان چنین فرمود که: ثم انشأناه خلقاً آخر فتبارک الله أحسن الخالقین. (مؤمن، ۱۴/۲۳) پس محور کرامت انسان را در غیر بدن و جنبه طبیعی او باید جست و جو کرد. ۱۳

آنچه به ذهن نزدیک است آن است که کرامت انسان به روح او برمی گردد، چون خدایی که خالق کل شیء است، درباره هیچ موجودی نفرمود: فتبارک الله أحسن الخالقین فقط



درباره انسان، آن هم بعد از افاضه روح و خلق جدید فرمود: **ثم أنشأناه خلقنا آخر فتبارك الله أحسن الخالقين**» از این جمله معلوم می‌شود، مبارک بودن خدا از جهت افاضه جسم انسان یا نشئه نباتی او نیست. مربوط به نشئه حیوانی او هم نیست، بلکه مربوط به مقام انسانیت او هست و این مقام انسانیت است که مسجود فرشتگان است و مکرم‌تر از موجودات دیگر و فی نفسه گرامی است. ۱۴

پس گوهر آدمی کریم است: **لقد کرمننا بنی آدم یعنی ما انسان را گرامی داشتیم چون در خلقت او گوهری کریم به کار رفته است.** اگر انسان مانند سایر موجودات فقط از خاک خلق می‌شد، کرامت برای او ذاتی و یا وصف اولی نبود، ولی انسان دارای فرع و اصل است، فرع او به خاک برمی‌گردد و اصل او به الله منسوب است: **انی خالق بشر من طین. فاذا سوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين.** (ص، ۷۱-۷۲) پس روح انسان به خداوندی که معلم اکرم است، مرتبط می‌باشد. پس سهمی از کرامت دارد و روح الهی به معنای کرامت است. ۱۵

## ۲. آفرینش انسان به دست خدا

بررسی برخی آیات قرآنی که در آنها به آفرینش انسان‌ها، اشاره شده است، نشانگر ارزش مقام انسان است. در این آیات خداوند آفرینش انسان را به گونه‌ای دقیق به خود نسبت داده است. به طور نمونه در آیه: **قال یا ابلیس ما منعک أن تسجد لما خلقت بیدي.** (ص/۷۵) در مورد خلقت انسان به ابلیس می‌گوید که من او را با دو دست خود آفریدم که این تعبیر نشانگر آن است که انسان از ارزش و مقام والایی برخوردار است و این که در برخی آیات از وجود حقیقت ملکوتی (روح) در انسان صحبت می‌کند و آن را متناسب به خود می‌کند، بیانگر ارزش و مقام والای انسان نزد پروردگار است. از جمله این که خداوند متعال می‌فرماید: **فاذا سوّيته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين.** (حجر، ۱۵/۲۹)

## ۳. اندیشمندی انسان

انسان قادر است که خود، حوادث و امور را تجزیه و تحلیل کند و آن را با گذشته و آینده نظام آفرینش مقایسه نماید. اندیشیدن و عبرت آموزی از ویژگی‌های انسان است و همین ویژگی سبب تفاوت میان او و حیوانات است. ۱۶ قرآن کریم شناخت را برای انسان ممکن می‌داند، از جمله آیاتی که می‌توان به آن استشهاد کرد. آیات مربوط به خلقت آدم

است. در این آیات آمده خداوند انسان را شایسته تعلیم اسماء دانسته است: **وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا**. (بقره، ۳۱/۲) بنابراین آیه، خداوند حقایق هستی را به انسان‌ها آموزش داده است. یعنی خداوند در نهاد انسان آن چنان استعدادی را قرار داده است که بتواند با کسب علم و دانش، حقایق عالم هستی را درک نماید: **عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم**. (علق، ۵/۹۶) این آیه نیز به صراحت می‌گوید که خداوند نعمت علم را به انسان اعطا کرده است. ۱۷.

امتیاز انسان بر سایر موجودات، عقل ممیز است که اگر آن را به کار نگیرد، شبیه حیوان و بلکه پست‌تر از آن است.

قرآن یکی از عوامل و عناصر سازنده انسان یا بال‌های تکامل وی را پرورش عقل و اندیشه می‌داند. یعنی انسان به وسیله رشد صحیح عقل و اندیشه خود و بهره‌برداری از آن در جهت هدف آفرینش، می‌تواند از حیات طیبه برخوردار شود. چون در نهاد انسان بذر تمایلات گوناگون افشاندگی شده که هر یک در تألیف سعادت، ترقی و پیشرفت او نقش مهمی دارد. بشر از راه هدایت طبیعی نمی‌تواند راه خوشبختی را بشناسد و در طریق سعادت گام بردارد. حیوان راه کمال خود را با هدایت تکوینی می‌پیماید و برای رسیدن به کمال لایق خود نقطه اتکایش غریزه است. اما غریزه قادر نیست نقش رهبری انسان را همچون حیوانات به عهده بگیرد و از انحطاط و سقوطش جلوگیری کند، بلکه عقل و خرد نخستین راهنمای انسان است که او را از صنف حیوانات جدا کرده و راه زندگی را جلوی پای او می‌گشاید و از راه تفکر و تعقل می‌تواند راه سعادت را تشخیص دهد. ۱۸.

علامه طباطبایی - رحمة الله علیه - در المیزان فرمودند:

انسان در میان سایر موجودات عالم. خصوصیتی دارد که در دیگران نیست و آن داشتن عقل است. معنای تفضیل انسان بر سایر موجودات این است که در غیر عقل از سایر خصوصیات و صفات هم انسان بر دیگران برتری داشته، هر کمالی که در سایر حیوانات است، حد اعلای آن در انسان است. ۱۹.

خلاصه این که بنی آدم در میان سایر موجودات عالم از یک ویژگی و خصیصه‌ای برخوردار گردیده و به خاطر همین خصیصه است که از دیگر موجودات جهان امتیاز یافته و آن «عقل» است که به وسیله آن حق را از باطل و خیر را از شر و نافع را از مضر تمییز می‌دهد.

فخر رازی در تفسیر خود گفته است :

قریب تر از هر معنا این به نظر می رسد که گفته شود خدای تعالی انسان را بر سایر حیوانات به اموری خلقی، طبیعی و ذاتی از قبیل: عقل، نطق، خط، صورت زیبا و قامت موزون برتری داده است و همه این ها را بوسیله عقل و فهم در اختیار آدمی قرار داده تا به وسیله آنها عقاید و اخلاق فاضله را تحصیل کند.<sup>۲۰</sup>

#### ۴. انسان، خلاصه و عصاره عالم وجود

به تعبیر امام خمینی انسان یک موجودی است که خدای تبارک و تعالی تا حالا او را خلق کرده است برای اینکه همه جهاتی که در عالم است، در انسان هست منتها به طور قوه هست. به طور استعداد است و این استعدادها باید فعلیت پیدا بکند تحقق پیدا بکند، پس وجود انسان عصاره تمام عالم و تمام موجودات است و وجودش یک نقشه کوچکی می باشد که از روی نقشه بزرگ عالم کبیر از عقل تا آخرین نقطه وجود برداشته شده است و این وجود انسانی همانند یک نقشه کوچکی است که از وجود کل عالم کبیر برداشته شده است که من عرفه نفسه فقد عرف ربه.<sup>۲۱</sup>

خداوند در آدمی خواص و نیروهای همه موجودات این عالم را به طور جمع الجمع گرد آورده و او را بعد از همه آنها آفریده است که قرآن مجید به این حقیقت چنین اشاره می کند: همان که خلقت همه چیز را نیکو کرد و خلقت انسان را از گل آغاز کرد<sup>۲۲</sup> پس آدمی فهرست کتاب آفرینش است. این است که علی (ع) فرمود:

اتزعم انک جرم صغیر      و فیک انطوی العالم الاکبر  
وانت الکتاب المبین الذی      بأحرفه تظهر المضممر<sup>۲۳</sup>

#### ۵. انسان هدف نهایی خلقت

هر یک از موجودات جهان خلقت دارای غرض و غایتی هستند که از نخستین روز پیدایش خود به سوی هدف و غایت در حرکت و تکاپو هستند. هر چند در این عالم همه موجودات از زمین و آسمان گرفته تا نبات و جانداران دارای غرض و غایت هستند، ولی هیچ کدام از اینها هدف نهایی خلقت نمی باشند. بلکه هدف نهایی خلقت همانا انسان و تعالی وجودی اوست یعنی همه موجودات آفریده شده اند تا انسان از آنها بهره گیری کرده و خود را به قرب ربوبی برساند به عبارت علمی حضرت امام:

چون تربیت نظام عالم ملک از فلکیات و عنصریات و جوهریات و عرضیات آن، مقدمه وجود انسان کامل است و در حقیقت این ولیده عصاره عالم تحقق و غایه القصوای عالمیان است و از این جهت آخر ولیده است و چون عالم ملک به حرکت جوهریه ذاتیه متحرک است و این حرکت ذاتی، استکمالی است، به هر جا منتهی شده آن غایت خلقت و نهایت سیر است و چون به طریق کلی نظر در جسم کل و طبع کل و نبات کل و حیوان و انسان کل افکنیم، انسان آخرین ولیده‌ای است که پس از حرکات ذاتیه جوهریه عالم به وجود آمده و منتهی به او شده پس دست تربیت حق تعالی در مقام دار تحقق به تربیت انسان پرداخته است و الانسان هو الاول و الآخر. ۲۴

#### ۶. کمال خواهی، حقیقت جویی و بی نهایت طلبی انسان

انسان دارای ظرفیت بی حد و نهایت است. استعداد او در هیچ موردی به حد خاصی قانع نیست و رغبت و طلب او حد ندارد. انسان دارای استعدادی بی نهایت و خواهان رسیدن به نامحدود است. البته منظور آن نیست که او هیچ گاه به بی نهایت نمی رسد چرا که رسیدن به بی نهایت، اساساً معنا ندارد و هرگز شدنی نیست ولی می توان به سوی بی نهایت گام برداشت و حرکت کرد. ۲۵ این تنها از خصوصیات ذاتی انسان است و در هیچ موجود دیگری یافت نمی شود.

کمال خواهی و سعادت خواهی انسان یکی از گرایش های فطری و ذاتی در هر انسانی است و همه تلاش های بشری به منظور اشباع این گرایش و زدودن نقص ها و دستیابی به کمال ها و نیل به سعادت است. تلاش ها و تکاپوی همه موجودات زنده برای تحقق بخشیدن کامل به استعدادهای درون آنهاست. البته با این تفاوت که جنبش عمومی موجودات نباتی بر اساس نظامی است به نام طبیعت که در وجودشان به ودیعت نهاده شده است.

عامل محرک در کوشش های حیوان، حب ذات است که بر مبنای ادراک و الهام غریزی عمل می کند اما تلاش های انسان در پرتو اختیار و آگاهی صورت می گیرد و کمال نهایی و مقصود وی به کلی متفاوت و متمایز از دیگر موجودات است. ۲۶ انسان در برابر حق، تسلیم و در برابر راستی فروتن است و جز خیر و سعادت خود را

نمی خواهد، اگر بر اساس همان خواست درونی، توفیق یافت و هدایت شد، خواست او بر مصداق حقیقی منطبق شده است و جز خدای یگانه را نمی پرستد و این همان حقیقی است که او دنبال می کرده است.

ذات و طبیعت انسان به گونه ای آفریده شده که با فطرت اولیه خود به دنبال باطل به عنوان باطل نمی رود، هیچ انسانی کاری نمی کند مگر اینکه مطابق طبع او و موافق با میل و نفس او بوده و سعادت او را در برداشته باشد. ۲۷ کمال طلبی و خیرخواهی در وجود همه انسان ها نهفته است و رو به سوی آن می روند. تلاش های مدام حق طلبانه انسان ها ناشی از همین فطرت است. انسان به گونه ای آفریده شده که استعداد رشد و کمال را دارد، خداوند برای دستیابی بشر به خواسته های فطریش پدیده ها و لذا ایزد مادی را آفریده است و برای ایجاد ارتباط مناسب با جهان آفرینش، حواس باطنی و ظاهری برای انسان آفرید تا به وسیله آنها به درک درستی از عالم برسد و راه خود را بیابد و هموار نماید: و الله اخرجکم من بطون امهاتکم لاتعلمون شیئاً و جعل لکم السمع و الابصار و الأفتدة لعلکم تشکرون. (نحل، ۱۶/۷۸) انسان آن چنان موجودی است که نمی تواند عاشق محدود باشد، نمی تواند عاشق فانی باشد، نمی تواند عاشق چیزی باشد که آن چیز به زمان و مکان محدود باشد، انسان عاشق کمال مطلق است، یعنی انسان عاشق ذات حق است، عاشق خداست. ۲۸

## ۷. اختیار و آزادی انسان

انسان برخلاف همه عوامل و شرایط بیرونی و محیطی و برخلاف همه تمایلات درونی از قدرت انتخاب برخوردار است و هنگامی که تصمیم می گیرد، عمل را انجام دهد، توانایی دارد که عمل دیگری را انتخاب نماید. بنابراین اختیار داشتن یعنی قدرت بر انجام یا ترک چیزی داشتن، قدرت از ویژگی ها و امتیازات انسان است. سایر موجودات، کارهایی که انجام می دهند، ناآگاهانه و بر اساس غریزه و تکوین و به صورت جبری است. اما انسان از روی آگاهی و انتخاب خود رفتار می کند و کارهایی را انجام می دهد و از قدرت گزینش و انتخاب برخوردار است.

انسان در این نظام دارای ارزش و اهمیت است چرا که انسان پرتوی از وجود خداست. انسان جانشین خدا بر روی زمین است. قرآن هدایت را از آن خدا می داند اما

حرکت و تکاپو و اختیار و اراده انسان را نیز نادیده نمی‌گیرد. در جای جای قرآن مسئله اراده و اختیار انسان مطرح شده است.

انسان موجودی از پیش ساخته شده نیست که راه زندگی او را دیگری تعیین کرده باشد. و موجودی است که باید با انتخاب و عمل خویش، خود را بسازد. او در میان تمام پدیده‌های آفرینش تنها موجودی است که امکان‌ها و راه‌های بسیار برایش وجود دارد و تا در برابر آنها موضعگیری نکند و دست به عمل نزند، رشد پیدا نمی‌کند. ۲۹

### آثار کرامت الهی انسان

انسان به جهت دارا بودن امتیازاتی که - در دلایل شایستگی انسان برای کرامت الهی - برشمردیم، صاحب کرامت الهی شده است و قطعاً بهره‌مندی از چنین مقام والایی، آثار و تبعاتی در پی خواهد داشت که از آن جمله موارد ذیل می‌باشند:

#### الف) انسان مسجود فرشتگان

یکی از ارزش‌های انسان این است که خداوند به ملائکه دستور می‌دهد تا انسان را سجده کنند: و اذ قلنا للملائكة اسجدوا لآدم... (بقره، ۳۴/۲) این آیه نه تنها ارزش والا و مقام متعالی انسان را می‌رساند. بلکه به گفته‌ای برتری انسان بر ملائکه را نیز می‌رساند. زیرا اگر موجودی کامل تر از ملائکه و افضل از آنها نباشد، صحیح نیست که وجود کامل وجود ناقص را سجده کند. ۳۰

#### ب) جهان آفرینش مسخر انسان

انسان از دیدگاه قرآن از آن چنان ارزش و مقامی برخوردار است که به فرمان خداوند، همه موجودات آفرینش مسخر او هستند، و خدا نیز انسان را به گونه‌ای آفریده که همه نیروهای طبیعت را تسخیر کند و از آنها به نفع خود استفاده کند. این نکته مسلم است که انسان بر جمادات، نباتات و حیوانات سلطه دارد و از آنها بهره‌کشی می‌کند.

قرآن کریم می‌گوید: و هو الذی سخر البحر لتأكلوا منه لحما طريا و تستخرجوا منه حلیة تلبسونها. (نحل، ۱۴/۱۶) و نیز می‌گوید: الم تر أن الله سخر لكم ما فی الأرض و الفلک تجری فی البحر بأمره. (حج، ۶۴/۲۲) و نیز می‌گوید: الم تر و أن الله سخر لكم ما فی السموات و ما فی الأرض. (لقمان، ۱۹/۳۱) این آیات ثابت می‌کنند که تمام موجوداتی که در آسمان‌ها

و زمین هستند به خاطر انسان و برای انسان رام شده اند. ماه و خورشید و ستارگان و هر چه که در آسمان هاست و معادن و دریا و گیاه و هر چه در زمین است، در خدمت انسان گذاشته شده است. ۳۱

مراد از تسخیر موجودات برای انسان، این است که فایده و سود آنها برای انسان است و اگر نه پر واضح است که همه چیز تحت اراده و اختیار خداوند عالم است و یا مراد این است که خداوند راه استیلاء بر آنها و استفاده از آنها را در اختیار انسان قرار داده است، آیاتی از قرآن این معنا را تأیید می کند. ۳۲ معنای سوم تسخیر این است که پاره‌ای اشیاء در اختیار انسان‌ها نیستند، ولی به گونه‌ای سامان یافته‌اند که انسان می‌تواند از آنها استفاده کند. در حقیقت نتیجه کار و حرکت آنها در اختیار انسان قرار می‌گیرد. چنانچه در آیاتی این نکته مورد تأیید قرار گرفته است که فراهم شدن امکانات گوناگون در زمین برای تأمین معیشت انسان هاست. ۳۳

### ج) انسان، امانتدار الهی

قرآن، انسان را به عنوان موجودی که امانتدار خداست، معرفی می‌کند و این امانتداری نیز اختصاص به انسان دارد. بلکه حامل امانتی از جانب خداست و از میان تمامی موجودات، این تنها اوست که صلاحیت آن را داشته تا امانتدار الهی باشد. زیرا همه موجودات جهان آفرینش جز انسان از پذیرش آن سرباز زدند: انا عرضنا الامانة على السموات والأرض والجبال فأبين أن يحملنها وأشفقن منها وحملها الانسان انه كان ظلوما جهولا. (احزاب، ۷۲/۳۳) آیه در مقام مقایسه با سایر موجودات است و این که در انسان، ظرفیت و استعدادی هست که در سایر موجودات نیست. بشر از جایگاهی در عالم خلقت برخوردار است که کوه‌ها، زمین و آسمان‌ها به او نمی‌رسند.

### د) انسان، خلیفه الله در زمین

انسان گل سرسبد آفرینش است و همه کمالات و درجات موجود در جهان آفرینش را داراست و افق حرکت او از مرحله جمادات تا عالی‌ترین مقام فرشتگان و حتی بالاتر از آن خواهد بود. پس شایسته این انسان که خداوند در حدیث قدسی درباره او می‌فرماید: كنت كنزا مخفيا فأحببت أن أعرف و خلقت الانسان لكي أعرف: من گنجی پنهان بودم، دوست داشتم شناخته شوم، خلایق را آفریدم تا شناخته شدم. ۳۴

همان موجودی که به افتخار «نفخت فیه من روحی» نشان یافته، این است که اشرف مخلوقات بوده و به مقامی رفیع دست یافته که خلیفه خدا بر روی زمین گردد و همین استعدادها و ظرفیت شگفت‌انگیز انسان، باعث شده که او به عنوان خلیفه خدا انتخاب شود.

### جمع بندی و نتیجه گیری

انسان گل سرسبد آفرینش و دُر دانه کائنات است و ممتازترین و برجسته‌ترین آفریده‌های رب العالمین است. آن چنان که خداوند پس از بیان خلقت انسان و سیر تکاملی او به خود «احسن الخالقین» فرموده، تعبیری که در خصوص ایجاد هیچ یک از آفریده‌ها نفرموده است. چون ساختار وجودی انسان «احسن تقویم» است و نمایش دهنده تمام هستی است، در حالی که هر یک از موجودات تنها گوشه‌ای از هستی را به نمایش می‌گذارند.

در قرآن شریف، خداوند و قرآن و ملائکه و پیامبر و متقین با صفت کرامت ستوده شده‌اند و در آیه ۷۰ سوره اسراء، همه انسان‌ها مورد تکریم خداوند قرار گرفته‌اند: و لقد کرّمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا.

باید توجه داشت این کرامت عام، کرامت ذاتی است نه اکتسابی، یعنی خلقت آدمی به گونه‌ای است که قابلیت‌ها و توانایی‌های خاص به او عطا شده است و به واسطه همین ویژگی‌ها در جایگاهی برتر نسبت به بسیاری از مخلوقات الهی قرار گرفته است. به طوری که خداوند او را مانند خود و خلیفه خود در زمین معرفی می‌کند و او را غایت و هدف نهایی خلقت خوانده و تمامی جهان را مسخر او قرار داده است. پس همه اهل آسمان و زمین به گونه‌ای در خدمت انسان هستند تا انسان با بکارگیری و بهره‌وری از آنها خود را به مقام قرب ربوبی برساند.

---

۱. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن/ ۱۰۳.



۲. جوادى آملی، عبدالله، سرچشمه اندیشه/ ۲۴۹.
۳. علامه طباطبائی، المیزان، ۱۳/ ۲۱۴.
۴. شیخ طبرسی، مجمع البیان، ۶/ ۴۲۹.
۵. جوادى آملی، عبدالله، صورت و سیرت انسان در قرآن/ ۳۲۷.
۶. اسراء/ ۷۰؛ مؤمنون/ ۱۴؛ تین/ ۱۴ و لقمان/ ۲.
۷. نساء/ ۲۸؛ معراج/ ۱۶؛ ابراهیم/ ۳۴؛ احزاب/ ۷۲؛ اعراف/ ۱۷۹ و تین/ ۵.
۸. رجیبی، محمود، انسان شناسی/ ۱۲۸.
۹. جوادى آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، ۳/ ۲۷۳- ۲۷۲.
۱۰. کلینی، کافی، ۲/ ۳۳، به نقل از: ادب فنای مقربان، ۳/ ۲۷۴.
۱۱. محسن قرائتی، تفسیر نور، ۲/ ۲۲، ذیل آیه ۷ سوره اسراء.
۱۳. صورت و سیرت انسان در قرآن/ ۷۹- ۸۰.
۱۴. کرامت در قرآن/ ۹۸- ۹۹.
۱۵. همان/ ۶۲.
۱۶. مرادى، محمد، قرآن- انسان- وفاق/ ۳۲- ۳۴.
۱۷. نصری، عبدالله، مبانی انسان شناسی در قرآن/ ۴۰.
۱۸. موسوی لاری، سید مجتبی، رسالت اخلاق در تکامل انسان/ ۶۵.
۱۹. المیزان، ۱۳/ ۲۱۵.
۲۰. تفسیر فخر رازی، ۲۱/ ۱۶.
۲۱. انسان شناسی در اندیشه امام (تبیان دفتر ۴۳)/ ۷۲- ۷۱.
۲۲. سوره سجده، آیه ۷.
۲۳. قربانی، زین العابدین، فلسفه آفرینش انسان/ ۳۲- ۳۱.
۲۴. انسان شناسی در اندیشه امام خمینی/ ۷۲.
۲۵. قائمی امیری، محمد مهدی، انسان و جهان در شناخت مکتب اسلام/ ۵۴.
۲۶. انسان شناسی/ ۱۸۱.
۲۷. ر. ک: المیزان، ۸/ ۷۶ و ۷۷.
۲۸. مطهری، مرتضی، انسانی کامل/ ۷۴.
۲۹. مبانی انسان شناسی در قرآن/ ۲۵۹.
۳۰. همان/ ۲۲۱.
۳۱. بهشتی، احمد، مجموعه گلزاری بی پایان/ ۴۵۵ و انسان در قرآن/ ۳۰.
۳۲. سوره زخرف، آیه ۱۳.
۳۳. سوره بقره، آیه ۲۹، سوره نحل/ آیه ۱۵- ۱۳، سوره اعراف/ آیه ۱۰.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۱۵/ ۳۹۴.